

## تلفیق شعر و موسیقی

۱۹

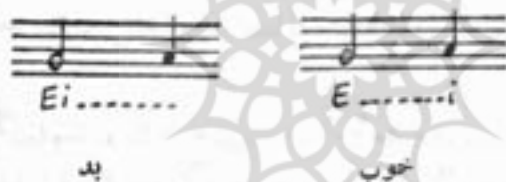
از دکتر مهدی فروغ

بیش از اینکه راجع به تلفظ حروف در زبان فارسی بحث کنیم بيمورد نیست يك بار ديگر متذکر شويم که هر يك از حرکات بسیط ششگانه در زبان فارسی به دو نحو کشیده و کوتاه ادا میشود بنا بر این شاعر و مصنف در موقع انتخاب کلام برای آهنگ باید متوجه باشند که بین کلمه و لحن از لحاظ کشش یا زمان لازم برای تلفظ هر هجاء رعایت تناسب بشود. بعبارت ديگر برای هجای کوتاه نغمه کوتاه و برای هجای کشیده نغمه کشیده بکار رود تا آواز بگوش زشت و ناهنجار نیاید.

بعضی از آهنگ سازان معاصر برای احترام از این مشکل ساخته های خود را عموماً در ضربهای سنگین میسازند و شاعر نیز بدون توجه به ارزش

زُمان یا گشش نغمه‌ها هجا های نامناسبی روی هر نغمه میگذارد . این قبیل تصنیفات عموماً خسته کننده و از لحاظ منطبق بی معنی و ملال آور است چون از لحاظ وزن و ضرب تنوعی در آن نیست .

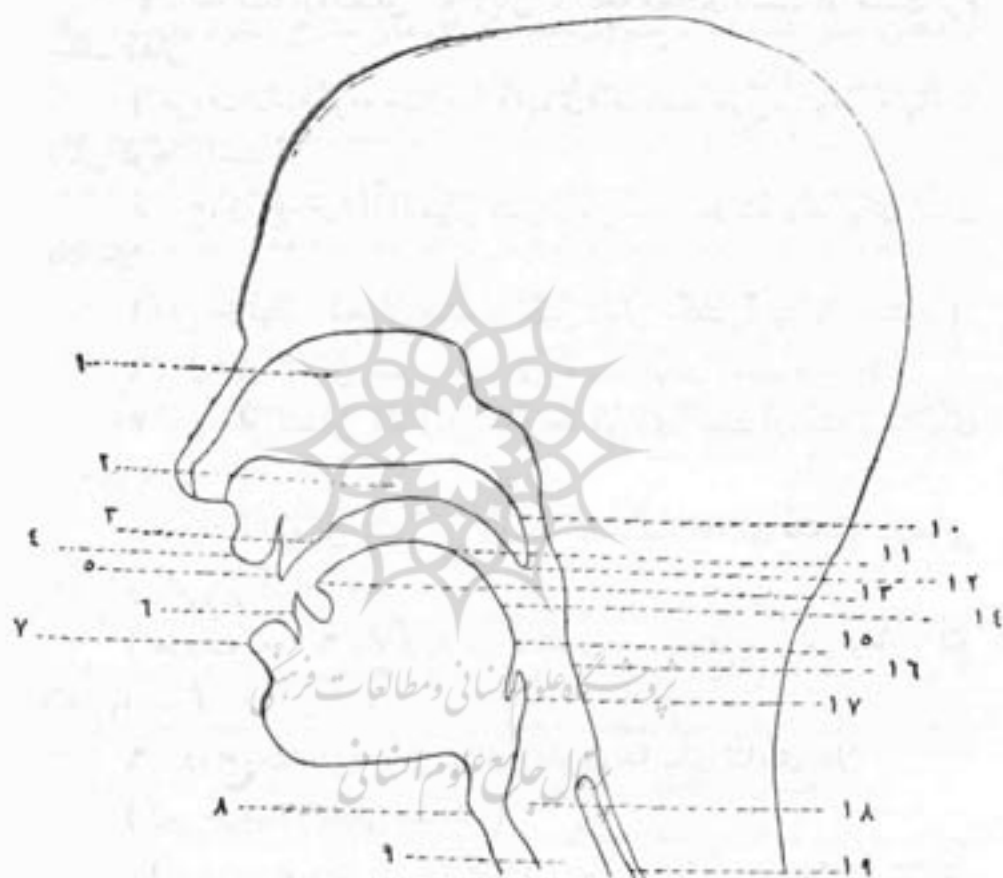
حرکات مرکب در کلماتی از قبیل سوی ، پای ، کیوان ، کودن از دو حرکت بسیط ساخته شده و شکل دهان برای ادای حرکت اول بوضع خاصی درمی آید و بعد برای ادای حرکت دوم تغییر شکل میدهد . هر گاه مصنف یا شاعر بخواهد حرکت مرکبی را در یک نغمه کشیده یا در مقابل چند نغمه کوتاه قرار دهد باید مراقب باشد که حرکت دوم در آخرین لحظه یا آخرین نغمه آن حرکت مرکب ادا شود . مثلاً در خواندن مصرع « ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز » کلمه « ای » یک حرکت مرکب است ( مرکب از حرکت زیر و صدای « ای » ) و هر گاه در مقابل آن یک نغمه کشیده یعنی متلایک سفید پایک گردد بگذاریم اگر خواننده حرکت زیر را سریع ادا کند و بقیه زُمان نغمه را به صدای « ای » اختصاص دهد بگوش زشت می آید .



اینک به تعریف مخارج حروف میپردازیم . علم قرائت در زبان فارسی بنا بر اصول علم تجوید زبان عربی وضع شده است در صورتیکه تفاوتی فاحشی بین این دو زبان از لحاظ تلفظ موجود است . در زبان عربی چهار حرف پ، چ، ژ، گ وجود ندارد ؛ حرفهای مختلفی که در عربی مخارجهای مختلف دارد در فارسی دارای یک مخارج است مثل: س، ص، ث . مخارج بعضی از حروف از جمله «ظ» و «ذ» و «ش» در عربی با مخارج آن در فارسی تفاوت کلی دارد ؛ همچنین حرف (واو) در عربی با دو لب ادا میشود در صورتیکه در فارسی با دندانهای فك بالا و لب زیرین به تلفظ درمی آید . از این لحاظ و به لحاظ اختلافات دیگر مناسب بنظر میرسد که اصولی مختص تلفظ و بیان زبان فارسی وضع شود که از هر جهت درخور این زبان باشد .

در زبان عربی برای تلفظ حروف بطور کلی هفده مخرج مختلف تشخیص داده شده که از بیخ حلق شروع و به لبها ختم میشود. حروف را به سه گروه شفوی و جوفی و حلقی تقسیم میکنند. شفوی بحرفهایی اطلاق میشود که با بکار بردن لبها به تلفظ درمی آید مثل (ب) حرفهای حلقی آنها نیست که از حلق ادا میشود مثل (ج).

برای دانستن مخارج حروف در زبان فارسی پیش از هر چیز باید به - شکل دهان و ادات صحبت آشنا شویم.



- ۱ - خلا بینی ۲ - قسمت سقف دهان ۳ - ریشه دندانهای فك بالا ۴ - لب  
 زیرین ۵ - دندانهای فك بالا ۶ - دندانهای فك پایین ۷ - لب زیرین ۸ - حلقوم  
 ۹ - نای ۱۰ - قسمت نرم سقف دهان ۱۱ - جلوی زبان ۱۲ - زبان کوچک ۱۳ -  
 تکیه زبان ۱۴ - عقب زبان ۱۵ - ریشه زبان ۱۶ - حلق ۱۷ - درموقع بلع غذا  
 لوله نای را میگیرد ۱۸ - بردههای صوتی ۱۹ - لوله مری

برای زبان فارسی ۱۲ مخرج مختلف میتوان اختصاص داد باین ترتیب :

۱ - ه، ح، ع، ه؛ از انتهای حلق  
۲ - غ، خ؛ از ابتدای حلق

( حروف دسته اول و دوم را «حلقی» می نامند )  
۳ - ق؛ از التصاق ریشهٔ زبان با آنچه محاذی آنست از قسمت نرم سقف دهان

۴ - ك، گ؛ از التصاق بیخ زبان با آنچه محاذی آنست از قسمت نرم سقف دهان

( حروف دسته سوم و چهارم را «لهوی» مینامند چون مربوط به لهاء یا زبان کوچک است )

۵ - چ، ژ، ج، ش؛ از التصاق میان زبان با كه یاریشهٔ دندانهای انیاب فك بالا

( این حرفهارا شجری مینامند چون دهان بگفتن آنها باز میشود )  
۶ - ل؛ از التصاق جلو زبان باریشهٔ دندانهای انیاب فك بالا

۷ - ن؛ از التصاق نك زبان با آنچه موازی آنست از ریشهٔ دندانهای تنایای بالا

۸ - ر؛ از التصاق نك زبان باریشهٔ دندانهای تنایای فك بالا درحالی كه زبان کمی برگشته باشد

( حروف دسته ۶، ۷ و ۸ را «لثوی» مینامند چون مربوط به لثه دندانهاست )

۹ - د، ط، ت؛ از التصاق پهنای زبان و دندانهای تنایای بالا  
( این حرفهارا نطعی مینامند )

۱۰ - ز، ذ، ض، ظ؛ ث، س، ص؛ از التصاق نك زبان با دندانهای تنایای باین ( این حرفهارا اصلی مینامند )

از شمارهٔ ۳ تا ۱۰ حرفهای جوفی است چون از داخل دهان ادا میشود.

۱۱ - ف، و؛ از التصاق دندانهای تنایای بالا و تری لب زیرین  
۱۲ - ب، پ، م؛ از میان دو لب گفته میشود. با تری و پ از خشکی لبها

( حروف شماره ۱۱ و ۱۲ را «شفوی» مینامند چون باشفه ( لب )  
ادا میشود .

کیفیت بکار بردن ادات بیان و نحوه ایجاد صوت در تلفظ حروف بسیار مؤثر است . برای مثال عرض میکنم که مثلا نحوه بیان حرف (ب) طوری است که باطرز بیان (ن) تفاوت فاحش دارد . برای بیان (ب) لبها میچسبند و راه خروج هوا از دهان بسته میشود . مادام که لبها باین صورت باقی باشد حرفی تلفظ نمیشود ولی بمحض اینکه لبها از هم باز شد مقدار کافی هوا که در دهان حبس شده است بصورت انفجاری از دهان خارج میشود . در صورتیکه برای تلفظ (ن) که آنرا يك حرف غنه ای میشناسند همانطور که شرح داده شد نك زبان به ریشه دندانهای ثنایای فك بالا میچسبند و در نتیجه عبور هوا از بین پرده های صوتی و روانه شدن آن بسمت خلف بینی و خروج از لوله های بینی صدای (ن) شنیده میشود . بعبارت دیگر در تمام مدتی که جریان هوا برقرار است صدای (ن) بگوش میخورد ولی در مورد حرف (ب) فرق می کند یعنی مادام که لبها بسته است حرفی شنیده نمیشود . بنابراین بهترینست که حروف الفبا از این لحاظ هم به تقسیمیاتی تقسیم شود . بعدها در جدولی این مطلب توضیح داده خواهد شد .

از ادات صوت پرده های صوتی و قسمت نرم سقف دهان که منتهی به زبان کوچک میشود و لبها قابل حرکت و بقیه ثابت است . هر يك از این ادات میتواند هم مستقلا حرکت کند و هم بهمراهی یکی از ادات دیگر . بنا بر این از توام ساختن حرکات آنها صداهای مختلف بوجود می آید . ولی در هر يك از زبانهای جهان تعداد محدودی از این حرکات استفاده میشود .

زبان مهمترین عضو بیان است . زیرا با حرکات مختلفی که دارد می تواند جریان هوا را بانحاء مختلف تغییر دهد . زبان در ادای حرکات بسیار مؤثر است و چنانکه قبلا بتفصیل بیان داشته ایم از لحاظ آکوستیک در صدا هائی که در دهان ایجاد میشود تأثیر فراوان دارد . همچنین در تلفظ حروف نیز عامل مهمی محسوب میشود . راه جریان هوا را میتواند بکلی مسدود یا باریک کند و سبب شود که صدای بخصوصی ایجاد شود . راجع بحرکات ادات بیان در آینده مفصلتر صحبت خواهم کرد .